

گفت وگو با حمیدرضا نعیمی  
نمایشنامه‌نویس، بازیگر و کارگردانتئاتر همچنان  
نیازمند یارانه استگیتی معینی، بازیگر پیشکسوت  
تلویزیون، سینما و رادیو:به جای رفتن به مکه  
بیک موتوری را آزاد کردم

گیتی معینی درباره خاطرات کودکی‌اش از رادیو این‌طور می‌گوید: من ابتدا قرار بود در رادیو مشغول به کار دیگری شوم. ۱۰۱۲ سالم بود. پدرم بسیار متعصب بود و بعد از مدتی دیگر اجازه نداد به رادیو بروم و من زجر بسیار زیادی کشیدم. حدوداً یک ماه نگذاشت پایم را در رادیو بگذارم تا این‌که بعد از صحبت کردن با پدرم قرار شد برای گویندگی در رادیو مشغول به کار شوم. کلاس هفتم دبیرستان بودم که شروع به نگارش مطلب کردم و بعد هم در رشته ادبیات درس خواندم و اجرا و گویندگی بخشی از زندگی‌ام شد.

انتقادها به بلیت کنسرت نمایش  
«سبید» به خوانندگی رضا بهرام در  
فضای مجازی ادامه دارد«سی صد»  
۷۰۰ هزار تومانی!رقابت مغزها  
در بازیمنوناین برنامه در قالب نمایش - مسابقه  
از شبکه سه پخش می‌شودگفت وگو با عوامل سریال «مستوران» که  
از امشب روی آنتن شبکه یک می‌رودقصه‌های جذاب  
از دل تاریخ

## پایه اول

ویژه فرهنگ - هنر  
رسانه - جامعه

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۲۹

## یادداشت

آدم‌های واقعی را  
دراماتیک کنیمفریدون فرهودی  
نویسنده

هرقدر درصد مخاطبان یک رسانه بیشتر باشد، آن رسانه باید بیشتر به سمت مخاطب حرکت کند. وقتی رادیو و تلویزیون را به عنوان رسانه ملی تعریف می‌کنیم، لاجرم باید اقتضات ملی بودن رسانه در محتوای رادیویی و تلویزیونی خودش را نشان دهد و از جمله این اقتضات آن است که رسانه بتواند با مخاطب ارتباط نزدیک داشته باشد. یکی از راه‌های ایجاد ارتباط نزدیک با مخاطب آن است که بتوانیم برای آدم‌هایی در سریال‌های خود داستان پردازی کنیم که کاملاً واقعی هستند؛ یعنی مخاطب آنها را می‌شناسد و با آنها فاصله ندارد. این‌که همه شخصیت‌ها را شبیه هم ببینیم اصلاً درست نیست و اتفاقاً باید نمایندگان طبقات مختلف در سریال‌ها باشند. شخصیت‌سازی برخی سریال‌ها در سطح روی می‌دهد و این‌طور القا می‌شود که همه شخصیت‌ها شبیه هم هستند و همه رفتارهایی قابل پیش‌بینی هستند، ولی در عالم واقع خیلی کم پیش می‌آید آدم‌ها همه مثل هم و قابل پیش‌بینی باشند.

هرقدر بیشتر در نگارش فیلمنامه بر فاز تحقیق و پژوهش وقت گذاشته باشیم، یقیناً بهتر می‌توانیم آدم‌هایی را ساخته و پرداخته کنیم که واقعی هستند و مخاطبان آنها را درک می‌کنند. از تپ دیدن مشاغل مرتبط با شخصیت‌ها باید پررنگ‌تر کرد و تا حد امکان برای شخصیت‌های موثر باید شناسنامه داشت. همه تلاش برنامه‌سازان و سریال‌سازان آن است که بتوانند محصول جذابی خلق کنند و این محصول زمانی خلق می‌شود که داستان پردازان، آدم‌های خود را بشناسند و روی آنها پژوهش لازم انجام گرفته باشند. هیچ دو انسانی شبیه هم نیستند و در پرداخت شخصیت باید خیلی زیاد بر ریزه‌کاری‌های شخصیت‌پردازی، تعمق کرد. البته که پرداخت درست شخصیت، از نگاه درست در فیلمنامه‌نویسی می‌آید و نگاه درست فیلمنامه‌نویس هم ریشه دارد. در دیدگاه دقیق و ژرف کارگردان و تهیه‌کننده، به این ترتیب اگر ارکان اصلی تولید، بدانند ارائه محصول جذاب چه عناصری لازم دارد، در آن صورت همه چیز درست پیش خواهد رفت. یکی از راه‌های ساده سرگرم کردن و تولید محصول جذاب، استفاده از مسائل مردم در داستان پردازان است و اگر نتوانیم این مسائل را روایت کنیم و مدام بخواهیم درباره مسائلی صحبت کنیم که دغدغه مردم نیست، سخت بشود به موفقیت رسید.

درباره حرف زدن از مشکلات مردم نباید اهمه داشته باشیم. چون می‌خواهیم رسانه ملی داشته باشیم و مردم را جذب کنیم؛ پس تلاش کنیم مسائل مردم به ویژه مسائل اقتصادی را به طور ریشه‌ای زیربنای نگارش و تولید سریال‌های جذاب کنیم و البته این استفاده می‌تواند در گونه‌های مختلف باشد.

## دودبازی‌های کودکانه

آمارهای جهانی از کاهش سن  
تجربه مصرف دخانیات  
به ۱۳ سال حکایت دارد

سیگار در ایران به طرز عجیبی از تور مالیات جامانده است. این دغدغه مهم گروه‌های ضد دخانیات، کارشناسان حوزه سلامت و البته کمال حدیثی، معاون بهداشت وزارت بهداشت کشور است، کسی که چندین پیش‌توضیح داد اگر مالیات بر دخانیات براساس آنچه این وزارتخانه پیشنهاد کرده بود انجام می‌شد، حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب می‌شد در حالی که اکنون زیر چتر وضع مالیات‌های ضعیف بر سیگار به گفته او بیش از ۱۰ برابر این رقم برای تیمار عوارض دخانیات در کشور هزینه می‌شود.



گزارش «جام‌چم» از خندا حافظی اجباری پاسالغ‌های خاطره‌ساز پخش فیلم

## میراث کرونا برای پرده‌نقره‌ای

عمق میدان

وارونگی؛ قضاوت علیه عدالت

## مردم ستیزی و دشمنی با قانون

در بازجویی‌ها، ساواک و مוסاد خوب به انتقاد سازمان و ویژگی‌های کافرانه و ملحدانه و روشنفکرانه جریانی در سازمان مثل تقی شهرام و خصومت منافقانه و قدرت پرستانه و شبه روشنفکری رجوی پی بردند. پس ساواک تحت هدایت مוסاد برای هر یک نقش و سناریوی ویژه‌ای را طراحی کرد. این دو و دستیارانشان، ظاهراً به خبر از نقش از پیش تعیین شده خویش در تور سناریوی ناگفته دستگاه امنیتی رژیم شاه بودند یا خود را به بی‌خبری و سفاقت می‌زدند. پروژه فرار شهرام از زندان ساری به شک پروژه طراحی شده مוסاد بود. با اطمینان یافتن ساواک دال بر الحاد درونی و تمایلات مارکسیستی نهان تقی شهرام و حرص منافقانه و سازشکارانه رجوی برای کسب قدرت که به همکاری او با ساواک منجر شد، معلوم بود که هر یک در چه مسیر دلخواه رژیم شاه می‌توانند عمل کنند و عملاً هم در آن جاده پیش خواهند رفت. برنده عملکرد قابل پیش‌بینی‌شان رژیم شاه بود. با مارکسیست کردن سازمان به وسیله شهرام، مجاهدین خلق، پایه بزرگ اجتماعی و سیاسی مردم‌شان را یعنی بازار و روحانیت را از دست دادند و جذب مارکسیست شده‌ها به وسیله رجوی کنترل شدند که در واقع کنترل غیر مستقیم‌شان بود به وسیله ساواک از زندان و در زندان برای منافع آینده و تحولات مقتضی. نفع مسلم زنده نگه داشتن رجوی، اداره غیر مستقیم ایرانیان به وسیله رژیم، بزرگ‌ترین پیروزی برای حکومت شاه در برخورد هوشمندانه به جنگ چریکی مجاهدین و نابودی‌شان به دست خودشان بود. وقتی هم که انقلاب شد، نفع رجوی برای پروژه‌های آمریکا صد چندان شد.

احمد میرحسین  
مستندساز و پژوهشگر

آنان شروع کننده ظالم جنایت و خشونت و مستوجب محکومیت در هرداگاه صالح برای مجازاتند و نه آن‌که شاکی در محاکمه نظام انقلابی و مظلوم و کشتار شده باشند و جمهوری اسلامی را به دروغ آغازگر قتال و ظالم وانمود سازند. بیابید مرور تکرار مکررات تا به دولت دروغگوی سوئد نقش منافقین را یادآوری کنیم.

اولین جرم فرقه‌ای که در ۲۲ بهمن ۵۷ با استفاده از نام سازمان فروپاشیده شده چریکی که هدف ایلشیر را مبارزه با آمریکا و دیکتاتوری دست نشانده‌اش و خود را سازمان مجاهدین خلق معرفی می‌کرد آن بود که روش دو رو و نیرنگ بازنه‌ای برابر انقلاب اسلامی در پیش گرفت. ۹۷ درصد مردم ایران از انقلاب خود و از نظام زاده شده از انقلاب اسلامی دفاع می‌کردند که رهبری آن جز به نام امام خمینی (ره) در ایران و جهان شناخته نمی‌شد و فرمان امام را مطاع



## ماکیاولیسمنیچه‌ای رجوی

رجوی نقش خود را در خدمت به گیم آمریکا به بهترین وجه عمل کرد و ضمناً بی‌محابا هر حیثیت انسانی را فدای قدرت خواهی خویش کرد. او از هر ارزش اخلاقی و هر شرافتی برای کسب قدرت چشم پوشید. ماکیاولیسمنیچه‌ای رجوی به سرعت فرقه او را به جنایتکار بی‌رحم و آدمکش بدل کرد. او از همان اولین روز پیروزی انقلاب امام به تدارک سلاح و تشکیل میلیشیا و ارتباط با اجنٹی علیه



می‌دانستند اما فرقه رجوی در باطن، به رغم قائد کبیر کردن‌های منافقانه، این رهبری را قبول نداشت و این راز را پنهان می‌کرد و پنهانی فرمان او را زیر پا می‌نهاد. قیام مردم در ۲۲ بهمن نظام پهلوی را از هم گسست. همه ملت ایران اموال عمومی و دولتی و حکومتی را تحت فرمان امام مورد مراقبت قرار دادند اما نیروهای خائن اندک، ساواکی‌ها و گروه‌های مجرب با انقلاب و منافقین ضد این عمل کردند. سلاح‌های پادگان‌ها را دزدیدند و پرورده‌ها و مدارک سری را به سرعت بردند و کمی بعد بخشی را وسیله معامله به قدرت سلطه جوی همسایه ایران، شوروی قرار دادند و خیانت آشکار کردند. این خود اولین گام دشمنی و جرم بزرگشان بود که خبر می‌داد پیشگام خیانت و نقشه‌های خشن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و آنان را در جایگاه بنا نهنده و شروع کننده خیانت و خشونت و جنایت علیه منافع ملی معرفی می‌کند و نشان می‌دهد این گروه آزاد شده از زندان شاه به دست انقلاب اسلامی چگونه از آغاز تا بهره از اعتبار گذشته سازمان مجاهدین خلق که ضد رژیم پهلوی به عنوان نوکر امپریالیسم بود و دشمن اصلی مردم ایران و هدف مبارزه‌اش را آمریکا و قطع

کردن دست دخالت و جپاول و وابستگی او و سرنگونی کارگزار دیکتاتورش معرفی می‌نمود، سوء استفاده کرد و بنای جنگ با انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد وابستگی به قدرت‌های متجاوز و غارتگر جهانی را به سود شیطان بزرگ بی‌ریخت.

جرم اجتماعی و سیاسی دیگر و جنایت دیگر سازمان منافقین بعد از انقلاب اسلامی، آن است که برای کسب قدرت منافقانه به نفی انقلاب عظیم مردمی پرداختند که با بیش از ۹۷ درصد آرای خود، جمهوری اسلامی را به جای نظام پیرامونی دیکتاتوری پهلوی برگزیده بودند و منافقانه با اراده، آگاهی، تصمیم، نقشه و برنامه و سازماندهی و اجرا، گام در راه سرنگونی‌اش نهادند. سازمان رجوی با تشکیل گروه مسلح از نوجوانان و جوانان، جدا از فرمان و رهبری امام خمینی (ره)، رهبر بلامنازع انقلاب، برای نابودی انقلاب اسلامی و پنهان نگه داشتن هدفش در حالی که خود را مدافع انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) وانمود می‌کرد و از رهبر انقلاب به نام قائد بزرگ نام می‌برد، نشان داد مجرم، مصداق کامل عمل مجرمانه، فریبکاری، کذب علنی و دروغجویی تشکیلاتی بوده است.

قانون ستیزی و گردن نهندن به قانون و خواست ملت در هر نظام در جهان جرم مسلم است؛ آن هم قانونی که با آرای مستقیم یک ملت با اکثریت قاطع مشروعیت یافته و آن هم ستیزی که وجه براندازانه و نقشه عمل مسلحانه و نظامی و تدارک خشونت و خونریزی‌اش کاملاً مسجل بوده است و مسؤولیت کشتارهای آتی را بر دوش این سازمان قطعت می‌بخشد.

بخش  
پنجم

منافقین در خرداد ۶۰ تهران را به آشوب کشیدند